

# جهانی شدن و توزیع نابرابر فرصتها

مالک ذوالقدر

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد زنجان

- Globalization, Information Technology and Development

- Jeffry James

- Macmilan press LTD

- 1999

می‌شود.

نویسنده در ادامه به تأثیر تکنولوژی اطلاعاتی بر توسعه و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی می‌پردازد. از نظر وی تکنولوژی اطلاعاتی از دو طریق به این امر کمک می‌کند. الف) از طریق کاهش هزینه‌های دستیابی به اطلاعات و همچنین کاهش هزینه‌های فعالیتهای برون مرزی؛ این امر به دو شیوه و در دو سطح صورت می‌گیرد؛ اولاً: اطلاعات در بازار و نهادها به آسانی در دسترس است. ثانیاً: شرکتها از طریق تکنولوژی اطلاعاتی بهتر می‌توانند فعالیت شعبه‌های خود را در بیرون از مرزها کنترل کرده و متناسب با تغییر اوضاع و احوال کشورها فعالیتهای شعبه‌های خود را هماهنگ سازند.

ب) روش دیگر تأثیر تکنولوژی اطلاعاتی بر گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق «رقابت جدید» صورت می‌گیرد. این امر به ویژه از طریق تکنولوژیهای صنعتی از قبیل برنامه‌ها و کارگاههای کامپیوتری صورت می‌گیرد که شرکتها را قادر می‌سازد بر مبنای سیستمهای تولید منعطف به تولید با سرعت بالاتر اقدام کنند.

نویسنده در فصل دوم به بررسی توزیع متفاوت تکنولوژیهای اطلاعاتی و دسترسیهای متفاوت کشورهای در حال توسعه به این تکنولوژیها که موجب افزایش تجارت بین‌المللی و متعاقب آن تقویت جهانی شدن می‌شود، می‌پردازد. مطالعات نشان می‌دهد که اقتباس چنین تکنولوژیهایی توسط کشورهای در حال توسعه راحت‌تر از کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد. (PP 17-18) البته همه کشورهای در حال توسعه از چنین وضعی برخوردار نیستند، بلکه کشورهای تازه صنعتی شده آسیا بخش عمده‌ای از این سهم را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل عمده موفقیت کشورهای تازه صنعتی شده در این خصوص اهمیت نقش حکومتهای این کشورها در سرمایه‌گذاری در بخش مخابرات و ارتباطات از راه دور است.

وی در ادامه، به بررسی رابطه بین زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور (تلفن ثابت، تلفن همراه، فاکس، اینترنت...) و جهانی شدن می‌پردازد و بر این امر اذعان دارد که همبستگی مثبتی بین گسترش زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور و درجه

نویسنده در فصل اول کتاب که در واقع مقدمه کتاب محسوب می‌شود، چکیده‌ای از بحثهای مطرح شده در کتاب را می‌آورد.

این کتاب به بررسی وابستگی متقابل تکنولوژی اطلاعاتی و جهانی شدن می‌پردازد، به جای اینکه این دو را مستقل از یکدیگر فرض کند. نویسنده در ابتدای بحث بین دو نوع جهانی شدن تمایز قائل می‌شود. از نظر وی دوره‌ای از جهانی شدن که ما تجربه می‌کنیم متفاوت از تجربه دوره تاریخی است که همگرایی اقتصادی بین کشورها به وجود آمده بود. بنابراین جهانی شدن امروزی از ویژگی خاصی برخوردار است و آن تغییر فنی یعنی تکنولوژی اطلاعاتی است، به عبارت دیگر الگوهای امروزی جهانی شدن باید برحسب شرایط تکنولوژیکی درک شوند. هدف عمده این کتاب به دست آوردن درکی از یکی از ابعاد جهانی شدن، یعنی توزیع دستاوردها و از دست دادن فرصتها در بین کشورهای در حال توسعه است. (P1)

در این بررسی نویسنده به تأثیر عمده و قدرتمند تکنولوژی اطلاعاتی بر جهانی شدن و مکانیزمهای آن می‌پردازد. همچنین در این کتاب به بنیادهای تکنولوژیکی گرایشهای اخیر جهانی شدن یعنی افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی در میان کشورها، همچنین الگوهای متفاوت جریانهای جهانی سرمایه، خدمات و امور مالی و بالاخره به تأثیر مسئله تکنولوژی اطلاعاتی بر توزیع نابرابر فرصتها و دستاوردها خواهد پرداخت. (PP 2-3) از نظر وی جهانی شدن به میزان فزاینده محصولات جهانی، عمدتاً تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی اشاره دارد. برای مثال در سال ۱۹۸۵ نرخ تجارت جهانی نسبت به تولید ناخالص ملی به سه برابر دهه قبل رسید و نرخ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به تولید ناخالص ملی به دو برابر دهه قبل رشد پیدا کرد. (P 3)

تکنولوژی ارتباطاتی تأثیر عمده‌ای بر افزایش نرخ تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی داشته است. تکنولوژی اطلاعاتی موجب کاهش هزینه حمل و نقل و ارتباطات میان خریداران و فروشندگان کشورهای مختلف و در نتیجه موجب افزایش تجارت بین‌المللی شده است. (P 5) به نظر وی تکنولوژی اطلاعاتی امروزه به عنوان یکی از منابع عمده مزیت نسبی در تجارت بین‌المللی تلقی

در فصل چهارم نویسنده به بررسی تجارت بین‌المللی تکنولوژی اطلاعاتی، سهم کشورهای در حال توسعه در آن و تأثیر آن بر رشد جهانی شدن می‌پردازد. (P50) وی سپس درباره توزیع جغرافیایی سهم کشورها در صادرات تکنولوژی اطلاعاتی استدلال می‌آورد که صادرات عمدتاً میان گروه‌های اول و دوم کشورهای تازه صنعتی شده (تایوان، کره، هنگ‌کنگ، سنگاپور، اندونزی، مالزی و فیلیپین و تایلند) تمرکز یافته است. به عنوان مثال صادرات الکترونیکی، حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد از صادرات صنعتی کشورهایی همچون سنگاپور و مالزی را به خود اختصاص داده است.

همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت آفریقا در بازار جهانی تولیدات الکترونیکی بسیار ناچیز است و کم‌ترین صادرات کارخانه‌ای این منطقه را به خود اختصاص داده است. (PP52 & 54)

به زعم نویسنده یکی از دلایل عمده صادرات چین محصولات در کشورهای تازه صنعتی شده، نقش دولت است اراده دولت برای جذب و حمایت سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی در این صنایع نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. (P56) به عنوان مثال در کره جنوبی، دولت از بخش‌های ویژه‌ای از صنعت الکترونیک حمایت طولانی به عمل آورد و سپس آنها را وادار به رقابت نمود. (P61) در نتیجه‌گیری این فصل آمده است که کشورهای تازه صنعتی شده آسیا در جذب سرمایه‌گذارهای خارجی و در صادرات انواع مختلفی از محصولات الکترونیک موفق بوده و در رشد تجارت بین‌المللی نقش عمده‌ای داشته‌اند. در مقابل، بسیاری

ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی وجود دارد. بالاخره نویسنده در بحث آخر این فصل با ترسیم جدولی، رابطه بین درآمد سرانه و برخورداری از سیستم‌های ارتباطی سه گانه (تلفن ثابت، تلفن همراه، مکانیزم‌های انتقال داده‌ها) را به تصویر می‌کشد و از این حیث کشورها را به سه گروه تقسیم‌بندی می‌کند؛ نخست: کشورهای توسعه یافته آمریکا و اروپای غربی و ژاپن؛ دوم: کشورهای تازه صنعتی شده؛ و سوم: کشورهای در حال توسعه آفریقای زیرصحرای (PP 27-28). در فصل سوم نویسنده مزیت نسبی در تکنولوژی اطلاعات صنعتی و ارتباط آن با تجارت بین‌الملل را بررسی می‌کند. این فصل از کتاب برخلاف فصل قبلی که بر تکنولوژیهای صوتی از قبیل تلفن ثابت، تلفن همراه و اینترنت می‌پرداخت، بر تکنولوژی‌هایی از قبیل برنامه‌های کامپیوتری و روباتها متمرکز شده است. (P33) نویسنده سپس به میزان موفقیت کشورهای در حال توسعه در اخذ چنین تکنولوژی‌هایی می‌پردازد. به نظر وی مطالعات موردی کشورهای در حال توسعه درخصوص استفاده از تکنولوژیهای مذکور به منظور به دست آوردن داده‌ها در دو سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دلالت بر این دارد که صادرات تکنولوژیهای مذکور از سوی کشورهای توسعه یافته‌ای چون آمریکا و ژاپن تنها در بین گروه نسبتاً کوچکی از کشورهای در حال توسعه (تایوان، کره، هنگ‌کنگ، سنگاپور، اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند) تمرکز داشته است. نویسنده در ادامه به نقش شرکتهای چندملیتی در رقابت بین‌المللی و ایجاد مزیت‌های نسبی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. (PP 46-47)

## تکنولوژی اطلاعاتی موجب کاهش هزینه حمل و نقل و ارتباطات میان خریداران و فروشندگان کشورهای مختلف و در نتیجه موجب افزایش تجارت بین‌المللی شده است

### هدف عمده این کتاب به دست آوردن درکی از یکی از ابعاد جهانی شدن، یعنی توزیع دستاوردها و از دست دادن فرصتها در بین کشورهای در حال توسعه است

از کشورهای در حال توسعه نه در جذب سرمایه‌گذارهای خارجی موفق بوده‌اند و نه در تولید و صادرات الکترونیک (P62).

فصل پنجم کتاب به بررسی یکی دیگر از مکانیزم‌هایی که از طریق آن، تکنولوژی اطلاعاتی، جهانی شدن را تقویت می‌کند و برای شرکتهای چندملیتی هم جاذبه دارد، یعنی؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازد. به زعم وی پیشرفت تکنولوژی اطلاعاتی، امر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را سهولت بخشیده است. دو نوع فعالیت مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی در این خصوص عبارت‌اند از فعالیت در خدمات و فعالیت در تحقیق و پژوهش. (P64) سپس به توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دو بخش خدمات و پژوهش در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. (P67) به نظر وی، اهمیت یافتن تحقیق و توسعه در صنایع دارای تکنولوژی پیشرفته (high-tech) مانند داروسازی، بیوتکنولوژی، میکروالکترونیک در سالهای اخیر، امر سرمایه‌گذاری خارجی را در این حوزه ضروری نموده است. نویسنده بین دو نوع سرمایه‌گذاری خارجی برای تحقیق



و توسعه در کشورهای در حال توسعه تمایز قائل می‌شود؛ ۱- فعالیتهای تحقیق و توسعه در صنایع متعارف، بدین معنا که بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری مطابق و مناسب با شرایط بومی صورت می‌گیرد. ۲- تکنولوژیهای جدید (الکترونیک، بیوتکنولوژی و انرژی خورشیدی) که بخش عمده‌ای از آن برای بازارهای جهانی تولید می‌شود. (P71) نویسنده سپس به شیوه تولید انعطاف‌پذیر یا پست فوردیستی (post-fordist) توسط شرکتهای فراملی می‌پردازد. سؤال وی این است که فعالیتهای شرکتهای چندملیتی چقدر با هم هماهنگ است و به این نتیجه می‌رسد که با تسریع فرآیند جهانی شدن، شرکتهای چندملیتی به درجه بالایی از همگرایی رسیده به نحوی که ما شاهد ظهور شرکتهای فراملیتی به جای شرکتهای چندملیتی هستیم. (73 - 72 PP)

نویسنده در فصل ششم اقدام به نتیجه‌گیری از فصول چهارگانه قبلی و همچنین به آزمون روابط متقابل بین یافته‌های گذشته و بالاخره به ترسیم نتیجه نهایی از این تحلیل می‌پردازد. (P82) نویسنده این سؤال را مطرح می‌کند که چرا برخی از کشورها از مکانیزمهای اطلاعاتی برخوردار و برخی دیگر محروم‌اند؟ در پاسخ به این سؤال می‌گوید باید در دو حوزه مرتبط به هم تمرکز نمود: ۱- ماهیت تکنولوژیهای اطلاعاتی ۲- سیاستهای دولتی که درصدد اقتباس و اتخاذ مکانیزمهای مذکورند (87 & 86 PP) در مورد حوزه اول مطالعات نشان می‌دهد که ابداعات در کشورهای توسعه یافته متناسب با اوضاع و شرایط موجود آن کشورها برنامه‌ریزی شده است: نرخهای فزاینده شکل‌گیری سرمایه در ابعاد مختلف توسعه، طرحهای صنعتی و تجهیزات و سرمایه‌گذاریهای زیرساختاری، طرحهای عمومی و... (P88) سپس نویسنده به نقش دولت و مدیریت آن در اتخاذ و اقتباس مکانیزمهای تکنولوژی اطلاعاتی که در نهایت کشور را در اقتصاد جهانی ادغام می‌کند، می‌پردازد. (91 & 90 PP)

در فصل هفتم این سؤال مطرح می‌شود که در فرآیند ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، آیا میزان نابرابری درون این کشورها بهبود یافته یا افزایش یافته است؛ سؤال دوم مرتبط این است که تأثیر تکنولوژی اطلاعاتی در این فرآیند

## همبستگی مثبتی بین گسترش زیرساختارهای ارتباطات از راه دور و درجه ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی وجود دارد

کشورهای تازه صنعتی شده آسیا  
در جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی  
و در صادرات انواع مختلفی از  
محصولات الکترونیک موفق بوده و  
در رشد تجارت بین‌المللی  
نقش عمده‌ای داشته‌اند

نابرابری چقدر بوده است؟ (P100) وی به الگوهای تجارت و مزیت نسبی متأثر از تفاوت‌های تکنولوژیکی بین کشورها پرداخته و فیلیپین و آفریقای زیرصحرا و برزیل را به عنوان مطالعه موردی در اقتباس تکنولوژیهای اطلاعاتی انتخاب می‌کند. در مورد فیلیپین به عنوان یک کشور تازه صنعتی شده ما شاهد شبکه‌های ارتباطاتی و تلگرافی پیچیده و کارآمد در بخشهایی چون بانکداری، بیمه، صنعت هواپیماسازی، کشتی‌سازی و زیرساختارهای توریستی هستیم. در مقابل، در آفریقای زیرصحرا شاهد وسائل ارتباطاتی بسیار ساده و ابتدایی هستیم و تنها بخش اندکی از مردم این مناطق از تکنولوژی تلفن، تلکس و ماهواره و تلویزیون رنگی، کامپیوتر و سایر وسایل ارتباطاتی پیشرفته استفاده می‌کنند. برزیل، نشان‌دهنده الگوی متفاوتی از ناهمگونی تکنولوژیکی است، به طوری که دستاوردهای متأثر از سرمایه‌گذاری تکنولوژیکی به گونه‌ای ناموزون بین شرکتهای توزیع شده است. نویسنده در بحث بعدی به بررسی رابطه بین افزایش مهارتها و نابرابری دستمزدها متأثر از تکنولوژی اطلاعاتی می‌پردازد. بی‌تردید افزایش مهارت در تکنولوژی اطلاعاتی برجسته‌تر از تکنولوژیهای دیگر است و کاربردهای پیچیده این تکنولوژیها نیازمند نیروی کار نسبتاً ماهر است. نتیجه این امر افزایش دستمزدهای این گروه در مقابل سایر مهارتهاست. وی در ادامه بحث به نقش سیاستهای حکومتی در این امر می‌پردازد. اراده سیاسی در واردات و یا عدم واردات چنین تکنولوژیهایی نقش مهمی در جبران نابرابریها ایفا می‌کند، مثلاً اراده سیاسی دولتهای برزیل، هند، آرژانتین در اعمال تأثیرات جبران‌کننده این نوع تکنولوژی وارداتی از اهمیت برخوردار است. (112 - 111 PP)

در فصل هشتم، نویسنده بر تأثیر تکنولوژیهای جدید به ویژه میکروالکترونیکها بر اشتغال و بازار نیروی کار در کشورهای در حال توسعه متمرکز می‌شود؛ بدیهی است تغییر در تکنولوژی منجر به تغییر در نیروی کار می‌شود (P117). وی این مسئله را ابتدا در کشورهای توسعه یافته و سپس در کشورهای در حال توسعه بررسی می‌کند. در کشورهای توسعه یافته، جایی که نیروی کار کم و مزدها نسبتاً بالاست، می‌توان منتظر تغییر تکنیکی و جبران نیروی کار بود و ابتکار و نوآوری برای ایجاد مزیت نسبی جدید ضرورت دارد. بر اساس مطالعات سازمان بین‌المللی کار، برخی از کشورهای در حال توسعه در تحولات تکنولوژیکی بین‌المللی ادغام شده‌اند و برنامه‌های تحقیق و توسعه این کشورها این روند را تسهیل نموده است. (مانند هند و مکزیک) مورد دیگر صنعت نیمه‌رساناهاست که مراکز عمده تحقیق و توسعه شرکتهای آمریکایی در کشورهای هنگ‌کنگ و سنگاپور و تایوان ایجاد شده است. (122 - 121 PP) سپس نویسنده به بررسی تحول تکنولوژیکی و تغییر سریع آن و تأثیر آن بر نیروی کار در مورد تولید ساعت‌های الکترونیکی به‌جای ساعت‌های مکانیکی می‌پردازد.

در انتهای بحث سه نوع مکانیزم تأثیرگذار بر اشتغال بررسی می‌شود: ۱- سرعت فرآیند اقتباس و گسترش (تدریجی یا ناگهانی بودن تأثیرات) ۲- وسعت گسترش تکنولوژیهای جدید ۳- شکل گسترش تکنولوژیهای جدید. (125 - 124 PP) نویسنده در فصل نهم از طریق نشان دادن این مسئله که مکانیزمها چگونه کشورهای توسعه یافته را بیشتر از کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد، به تکمیل مباحث قبلی اقدام می‌کند. (P155) در ادامه بحث مکانیزمهای مربوط به تشویق تجارت را از مکانیزمهای مربوط به سرمایه‌گذاریهای خارجی جدا می‌کند و بر این باور است که مکانیزمهای مربوط به تجارت در تکنولوژی ارتباطات الکترونیک، بیشتر به نفع کشورهای در حال توسعه است تا کشورهای توسعه یافته. نتیجه نهایی اینکه به جز چند استثنا در بیشتر جنبه‌ها، تکنولوژی اطلاعاتی به نفع کشورهای ثروتمندتر عمل کرده و همواره با افزایش نابرابری در کل اقتصاد جهانی همراه است. این نابرابری و شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیشتر شده است. (P159)